



مقطع تحصیلی: کاردانی ■ کارشناسی □ رشته: کاردانی حرفه ای معماری ترم: ۱... سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹

نام درس: انسان، طبیعت، معماری داخلی.. نام ونام خانوادگی مدرس: ... حدیث داوده...
 آدرس email مدرس:hadisdavoodeh@yahoo.com..... تلفن همراه مدرس: ۰۹۳۷۲۵۵۴۸۸۳

جزوه درس انسان، طبیعت، معماری داخلی مربوط به هفته : هشتم ■
 text: دارد □ ندارد □ voice: دارد □ ندارد □ power point: دارد □ ندارد ■
 تلفن همراه مدیر گروه :

صفحه های زیر برگرفته از جزوه [انسان، طبیعت، معماری داخلی](#) که به صورت pdf در اختیار دانشگاه قرار داده شده در صورت تمایل از جزوه اصلی استفاده شود

رابطه انسان، طبیعت و خدا در نگرش شرقی و غربی و تأثیر آن در باغسازی

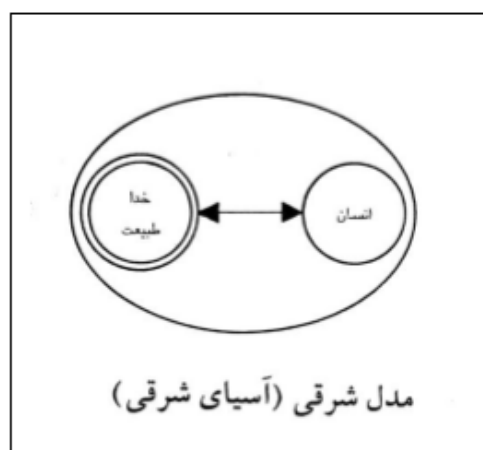
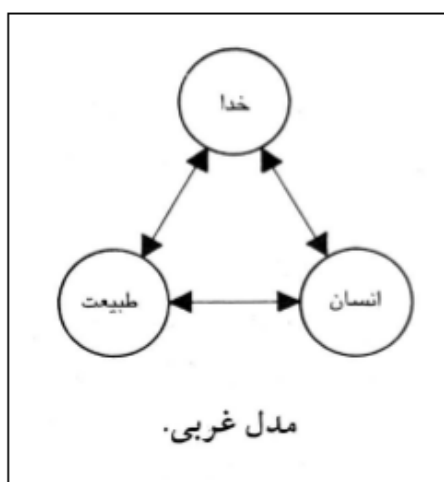
برای درک رابطه ساختمان با محیط ابتدا بایستی به دیدگاه انسان در مورد محیط و یا به طور کلی نسبت به طبیعت، نظر داشت. اساس ساختن، دست اندازی به طبیعت است. نوع این دست اندازی ارتباط بسیار نزدیک با طرز تفکر انسان در مورد طبیعت دارد. در بسیاری از فرهنگ‌های شرقی، ارتباط کاملاً نزدیکی بین انسان و طبیعت وجود داشته و امروزه نیز گاهی این ارتباط به چش می‌خورد. انسان خود را جزئی از طبیعت می‌دانسته و به این دلیل در ارتباطی چندگانه با آن بوده است. این ارتباط نزدیک، هم به انسان و هم به طبیعت امکان ادامه زندگی را می‌داده است.

چنین ارتباطی بین انسان و طبیعت در جوامع غربی نیز وجود داشته اما بعدها جهان بینی مسیحی آنرا تغییر داد. این ارتباط دوگانه از طریق مسیحیت تبدیل به یک ارتباط مثلث شد: بر اساس این تفکر، خداوند طبیعت را خلق کرده و بشر باید از آن استفاده کند. در شرق آسیا آنچه خدایی بود علیرغم مافوق طبیعی بودنش در ارتباط نزدیک یا حتی در یگانگی با طبیعت قرار داشت. به این ترتیب جمعاً با خود انسان نیز یگانه به حساب می‌آید. حال آنکه بر اساس تثلیث غربی، به ناچار یک رشته روابط دوگانه به وجود می‌آمدند: انسان - خدا، خدا - طبیعت، طبیعت - انسان، عینیت - ذهنیت، جسم - روح و غیره که هر کدام از این روابط از طریق کنار گذاشتن یکی از قطب‌های تثلیث حاصل می‌شد.

سالهای متمادی بشر بدون قدرت تسلیم طبیعت بود. از آنجا که سیستم فکر غربی مسیحی جنبه خدایی برای طبیعت قائل نبود برای انسان این امکان وجود نداشت که به طبیعت جنبه تقدیس یا مافوق عادی داده و از این راه پذیرای آن باشد.



نخستین تلاشها برای توجه به عینیت طبیعت و برابر قراردادن آن با انسان در دوره رنسانس صورت گرفت. به این ترتیب نقش خارق‌العاده یا خدایی طبیعت در رابطه انسان - طبیعت روز به روز ضعیف تر شد و این آغاز تحولی بود که تا امروز نیز هر لحظه این رابطه را مصیبت بار تر کرده است. بشر به عنوان یک موجود زنده، جزئی از طبیعت است که در آن زندگی می‌کند و به آن وابسته می‌باشد قوانین فیزیک بر طبیعت یا دست ساخته انسان به نحو یکسان حاکم است. به این ترتیب کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد که در بسیاری از موارد مانند ساختمان، طبیعت برای بشر عنوان مدل و نمونه داشت باشد.



انسان اغلب تصور می‌کند آنچه «طبیعی» است، چه از نظر فرم و چه از نظر عملکرد به حدی از تکامل رسیده است که بهتر از آن قابل تصور نیست، حال آنکه چنین نیست. آدولف پورتمان می‌گوید: «ساده ترین فرم که به گونه‌ای کامل در خدمت عملکرد باشد و بسیاری از مردم آنرا «طبیعی» خوانده، و ستایش می‌کنند کاملاً نادر است. آنچه بیشتر به چشم می‌خورد بخصوص در دنیای حیوانات چیزی فاقد این صفات است.» - «اغلب به نظر میرسید که خیالبافی آزاد و یا حتی بازیهای لجبازانه یک قدرت خلاقه، در این آفرینش بیشتر دست داشته‌اند تا ضرورت‌های تکنیکی».

قیاسی بین زرافه و قو - هر دو حیوانی با گردن بسیار بلند - نشان دهنده اختلافات اساسی در ساختار جسمی این دو جانور است. در قو بلندی گردن با زیاد شدن تعداد مهره‌های گردن - بصورتی که بین سایر پرندگان استثنایی است - جبران گردیده حال آنکه زرافه مانند سایر پستانداران هفت مهره گردن دارد که البته اندازه آنها غیرمعمول است. همچنین نقوش ظاهری بسیاری از حیوانات و مثلاً برخی از صدفها فاقد هر نوع عملکرد است یعنی نه نشاندهنده علامتی بوده و نه دارای عملکردی می‌باشند.

البته طبیعت می‌تواند به عنوان مدل برای انسان قابل استفاده باشد:

گفته میشود که برنولسکی (Brunnellschi) برای ساختن گنبد جامع فلورانس تخم مرغ را به عنوان مدل در نظر گرفته است. یا ژوزف پاکستون (Joseph Paxton) در ساختن کاخ کریستال از برگهای ویکتوریا رجیا (Victoria - regia) که نوعی نیلوفر آبی بسیار بزرگ می‌باشد الهام گرفته



است. اما با این وجود این تصور اشتباهی است که هر سازه در معماری به ترتیبی تقلیدی از پدیده‌های طبیعی بدانیم. فرای اتو (Frei otto) در جواب مدعیانی که سازه‌های معلقش را به تقلید از تار عنکبوت می‌پنداشتند می‌گوید: « در زمانی که ما این سقف‌های سبک معلق را طراحی، محاسبه و آزمایش می‌کردیم - هیچ یک از دست اندرکاران طراح از تار عنکبوت اطلاعی بیشتر از سایر مردم عادی نداشتند. اما زمانی که سقف‌های طوری معلق تا حدی تکامل یافتند مردم با چشم دیگری، یعنی با چشمی آموزش دیده به تار عنکبوت نگاه کرده و آنگاه توانستند آنها در این سازه «بازشناسی» کنند».

ادامه این بخش از مطالب در جلسات بعد ارائه می شود.